

## قدیسان و شیادان: اخلاق در دانشگاه

کتاب "Saints and Scamps" تنها یک فهرست از بایدها و نبایدها نیست، بلکه یک تأمل فلسفی-اخلاقی در مورد ماهیت و هدف نهاد دانشگاه است. در این بخش، به تحلیل لایه‌های پنهان و استدلال‌های اصلی کان می‌پردازیم.

### دانشگاه به مثابه یک جامعه اخلاقی (An Ethical Community)

این مفهوم، پایه و اساس کل استدلال کتاب است.

- کان استدلال می‌کند که دانشگاه صرفاً یک ساختمان، یک مجموعه اداری یا یک مرکز شغلی نیست. دانشگاه یک جامعه متشکل از افرادی است که حول یک هدف مشترک حقیقت‌یابی گرد هم آمده‌اند.
- تمام فعالیت‌های دانشگاهی (تدریس، پژوهش، خدمات) تنها در سایه اعتماد متقابل می‌توانند شکوفا شوند. دانشجو باید به صداقت استاد اعتماد کند، استاد باید به اصالت کار پژوهشی همکارش اعتماد کند، و جامعه باید به درستی فرآیندهای دانشگاه اعتماد داشته باشد.
- هرگونه تخلف اخلاقی، مانند تقلب یا سوءاستفاده از قدرت، مانند سمی است که این بنیان اعتماد را از درون می‌خورد. اگر اعتماد از بین برود، دانشگاه دیگر نمی‌تواند رسالت اصلی خود را انجام دهد.

### فلسفه اخلاق پشت توصیه‌های عملی

توصیه‌های کان صرفاً امری نیستند؛ آن‌ها ریشه در مکاتب اخلاقی دارند:

- **نتیجه‌گرایی (Consequentialism)** برخی رفتارها به دلیل عواقب مخربشان نادرست هستند. برای مثال، سرقت علمی (Plagiarism) نه فقط به این دلیل که "دزدی است"، بلکه به این دلیل که مسیر پیشرفت علم را منحرف می‌کند، اعتماد به یافته‌های علمی را تخریب می‌کند و به اعتبار کل نهاد دانشگاه لطمه می‌زند، محکوم است.
- **وظیفه‌گرایی (Deontology)** بسیاری از مسئولیت‌های استاد، ذاتی نقش اوست. یک استاد وظیفه ذاتی دارد که منصف باشد، آماده به کلاس برود و به دانشجویان احترام بگذارد. صرف نظر از این که آیا نتیجه فوری و ملموسی برای خودش دارد یا خیر. این "امر مطلق" کانتی است.
- **فضیلت‌گرایی (Virtue Ethics)** کان در نهایت به دنبال پرورش "استاد فضیلتمند" است. او می‌پرسد: "شخصیت یک استاد و پژوهشگر آرمانی چگونه باید باشد؟" پاسخ او شامل فضایلی مانند صداقت، فروتنی فکری، شجاعت، انصاف و فداکاری است. این فضایل هستند که در درازمدت، هم فرد و هم جامعه دانشگاهی را به شکوفایی می‌رسانند.

## تشریح جزئیات چالش‌های اخلاقی

بیاید با جزئیات بیشتر به برخی از معضلات پردازیم:

### • تعارض منافع: (Conflict of Interest)

**مثال کتاب درسی:** وقتی استادی کتاب خود را به عنوان منبع اجباری درس معرفی می‌کند، یک تعارض منافع آشکار وجود دارد. آیا این کار برای منفعت آموزشی دانشجویان یا منفعت مالی استاد؟ کان می‌گوید این کار لزوماً غیراخلاقی نیست، اما باید با شفافیت همراه باشد. مثلاً استاد باید درسی را انتخاب کند که کتابش واقعاً بهترین منبع برای آن است و از درآمد حاصل از آن برای اهداف پژوهشی استفاده کند. نکته کلیدی، اجتناب از سوءاستفاده است.

**رابطه شخصی در ارتقا:** اگر رئیس گروه بخواهد در مورد ارتقای یک دوست صمیمی تصمیم‌گیری کند، این یک تعارض منافع جدی است. راه حل اخلاقی، خودکنارگیری (Recusal) از فرآیند تصمیم‌گیری است.

### • آزادی آکادمیک در برابر مسئولیت:

کان از آزادی آکادمیک به عنوان "حیاتی برای سلامت دانشگاه" دفاع می‌کند. اما این آزادی مطلق نیست.

یک استاد در کلاس درس، یک "میزبان حرفه‌ای" است، نه یک خطیب در میدان عمومی. او مسئولیت دارد که فضایی ایجاد کند که در آن تمام دانشجویان، صرف نظر از جنسیت، نژاد یا عقیده، احساس امنیت کنند و بتوانند یاد بگیرند. بنابراین، آزادی بیان به این معنا نیست که بتوان دانشجویان را تحقیر کرد یا از کلاس برای تبلیغات سیاسی شخصی (بدون ارتباط به موضوع درس) سوءاستفاده کرد.

### • انصاف در ارزشیابی:

کان بر این تأکید می‌کند که انصاف تنها به معنای یکسان برخورد کردن با همه نیست، بلکه به معنای برخورد منصفانه با هر فرد با توجه به شرایطش است. اما این به معنای شل‌گیری معیارها نیست.

او به معضل "اعتراض به نمره" می‌پردازد. یک استاد باید هم به قضاوت خود اعتماد داشته باشد و هم گوشش برای شنیدن استدلال منطقی دانشجو باز باشد. فرآیند اعتراض باید ساختاریافته و شفاف باشد، نه بر اساس جیغ و داد یا رابطه.

## نقش مدیریت و ساختار دانشگاه

کان تنها اساتید را مقصر نمی‌داند. او به مسئولیت نهادها نیز اشاره می‌کند:

- **فرهنگ سازمانی:** اگر دانشگاهی تنها بر تعداد مقالات و گرنت‌ها تأکید کند و به کیفیت تدریس و رفتار اخلاقی بی‌اعتنا باشد، به طور غیرمستقیم رفتارهای غیراخلاقی را تشویق کرده است.
- **سیاست‌های شفاف:** دانشگاه موظف است سیاست‌های روشنی در مورد مواردی مانند تعارض منافع، سوءرفتار علمی و روابط استاد و دانشجو تدوین و ابلاغ کند.
- **الگوهای اخلاقی:** اساتید ارشد و مدیران باید الگوی رفتار اخلاقی باشند. اگر آن‌ها "شیاده" باشند، نمی‌توان انتظار داشت که اساتید جوان و دانشجویان "قدیس" باشند.

## پیام نهایی: پاسداری از یک موهبت

پیام نهایی کان این است که دانشگاه یک موهبت تاریخی و اجتماعی است که نسل‌ها برای ساختن و حفظ آن زحمت کشیده‌اند. ما به عنوان اعضای کنونی این نهاد، امانتداری هستیم که موظفیم این موهبت را سالمتر به نسل بعد تحویل دهیم.

- "شیادان" کسانی هستند که این امانت را برای منافع شخصی، قدرت یا شهرت خویش به خطر می‌اندازند.
- "قدیسان" کسانی هستند که با از خودگذشتگی، از اصالت، حقیقت و اعتماد در این نهاد پاسداری می‌کنند.

هدف کتاب این نیست که همه را به قدیس تبدیل کند، بلکه این است که به همه ما یادآوری کند که انتخاب‌های اخلاقی روزمره ما از کوچک تا بزرگ سرنوشت کل جامعه دانشگاهی را می‌سازد. این کتاب دعوتی است به بیداری اخلاقی و مسئولیت‌پذیری جمعی.